

یک منبع ناشناس اعلام کرد:
مذاکرات محرمانه
کره شمالی و کانادا

سینا سبزبان

یکی از مقامات دولت کانادا که خواست نامش فاش نشود، اعلام کرد که هیئتی از کره شمالی در روزهای پایانی ماه سپتامبر (اوایل دی ماه) برای انجام مذاکرات محرمانه با دولت کانادا به اوتاوا، پایتخت این کشور سفر کردند.

این منبع که با شبکه خبری سی‌بی‌سی کانادا مصاحبه کرده، گفته است: هیئت کره‌ای به مدت دو روز با مقامات کانادا در حال مذاکره بوده است و تمرکز این مذاکرات برای ادامه خلع سلاح اتمی کره شمالی و نیز توجه به مسائل پیرامون نقض حقوق بشر در کره شمالی بوده است.

بر اساس اعلام شبکه سی‌بی‌سی، هیئت کره‌ای شامل پنج مقام این کشور بوده است که در سفری دوازده روزه در روزهای پایانی آخرین ماه سال میلادی ۲۰۱۸ به اوتاوا وارد شدند و به مذاکره با مقامات کانادایی پرداختند.

به گفته این مقام بی‌نام در دولت کانادا، این مذاکرات دوازده روزه به‌منظور محاب کردن کره شمالی برای توجه بیشتر به مسائل حقوق بشر در کشورش و همچنین ادامه روند خلع سلاح‌های اتمی آن به‌صورت مستقیم انجام شده است.

این مقام کانادایی از بیان اینکه کدام کشور ابتدا پیشنهاد انجام این مذاکرات را داده است خودداری کرد ولی تأکید کرد که این مذاکرات با میل و استقبال طرف کانادایی صورت گرفته است. به گفته منبعی که نخواسته نامش فاش شود، چنین مذاکراتی در دولت کانادا مرسوم نیست و دولت فرصت‌گذاشتن برای انجام چنین دیدارهایی را ندارد؛ اما از آنجایی که کره شمالی معمولاً در سطح مقامات عالی‌رتبه وارد مذاکره نمی‌شود، دولت اوتاوا نمی‌توانست چنین فرصتی را نادیده بگیرد.



از طرفی به گفته این مقام، دولت کانادا همچنان بر مواضع گذشته خود تأکید دارد و از دیدن این دولت چیزی در مورد کره شمالی تغییر نکرده است و این دیدار بیشتر با هدف عادی‌سازی روابط بین اوتاوا و پیونگ‌یانگ صورت گرفته است.

گیوم برویه سخنگوی وزارت امور خارجه کانادا نیز در همین رابطه به شبکه سی‌بی‌سی کانادا گفت: این نشست مبنی بر تغییر رویه در وضعیت دیپلماتیک روابط با کره شمالی نیست و مواضع گذشته ما در قبال این کشور همچنان پابرجاست.

وی ضمن خوب ارزیابی کردن مذاکرات اوتاوا، پیونگ‌یانگ عنوان کرد که دولت کانادا همچنان از عدم عملکرد کره شمالی در مورد با خلع سلاح‌های اتمی نگران است و در این دیدار بر آن تأکید داشت.

به گفته برویه دولت کانادا انتظار دارد که کره شمالی نسبت به پیگیری اهدافی که در جلسه برای خلع سلاح اتمی عنوان کرده است پایبند باشد و تمایل خود را نشان دهد.

برویه همچنین از اطلاع کامل متحدان کانادا از دیدار با کره شمالی خبر داد و گفت: متحدان کانادا در کنار شرکا همواره از رویکرد این کشور مطلع هستند و مذاکرات با متحدان و شرکای برای ادامه فشار بر کره شمالی ادامه دارد. به گفته این مقام کانادایی مذاکرات گسترده‌ای بین اوتاوا و سایر متحدان این کشور برای وادار کردن پیونگ‌یانگ به تن دادن برای خلع سلاح هسته‌ای در حال انجام است چرا که به عقیده این کشورها نگرانی‌های بسیاری در مورد مواضع کره شمالی و تهدید امنیت جهانی وجود دارد.

کانادا و کره شمالی از سال ۲۰۱۰ میلادی روابط دیپلماتیک خود را قطع کردند. مذاکرات کره شمالی و کانادا در حالی صورت گرفت که کیم جونگ‌اون، رهبر کره‌ای در هفته جاری به دیدار شش‌جانبی، رهبر چین رفته بود. گفته می‌شود دیدار رهبر کره شمالی و رهبر چین پیامی به آمریکا بود تا برای مذاکرات آتی با کره جنوبی جوانب احتیاط را رعایت کند.

واکنشی سوال برانگیز در مقابل خروج آمریکا از منطقه

سکوت ازدها



سید محمد میرزا محمدزاده

یکی از معیارهای تشخیص اینکه تصمیم ترامپ مبنی بر خروج نیروهای ارتش آمریکا از سوریه، به نفع این کشور بوده یا خیر، منافی است که این تصمیم احتمالاً برای رقبای آمریکادر پی دارد.

مایک سینگ، مدیر موسسه واشنگتن، که سیاست‌های خاور دور را رصد می‌کند، در یادداشتی برای روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال از علت سکوت چین در مقابل خروج آمریکا از سوریه و افغانستان نوشته است. آن طور که سینگ عنوان می‌کند، منافع چین در منطقه به‌شدت به حضور آمریکا خورده است و با خروج آمریکا از خاورمیانه، چین دچار چالش‌های عدیده‌ای می‌شود. در ادامه یادداشت‌وی را می‌خوانیم. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، تصمیم خروج آمریکا از سوریه را درست خواند و رجب طیب اردوغان و نیز مقامات ایران از این تصمیم استقبال کردند. رسانه‌های دولتی سوریه نیز به‌نوعی با این اقدام برای آن ایجاد می‌شود.

تصمیم کنار آمدن و همین نشان می‌دهد که منافع از رقبای آمریکادر سوریه، با رفتن نیروهای آمریکایی تأمین می‌شود. اما سکوت معنادار بر سر موضوع خروج آمریکا از سوریه، از سوی کشور صورت گرفت که آمریکا آن را رقیب اصلی خود می‌داند؛ یعنی چین. سکوت این کشور، بیانگر آن است که دولت پکن، از هر جهت، همچنان وابسته به امنیتی است که از سوی ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا برای آن ایجاد می‌شود.

در سرتاسر آسیا، چه خاورمیانه و چه ورای آن، چین برنامه‌هایی را برای سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها و دیگر فعالیت‌های تجاری آغاز کرده است که آنها را «طرح جاده ابریشم جدید» می‌خواند. مقامات غربی به‌درستی نگران‌اند که این طرح با هدف افزایش نفوذ جهانی چین اجرا شود. جان بولتون، مشاور امنیت ملی کاخ سفید، اخیراً از استراتژی جدید آمریکا برای تمرکز بر آفریقا، صرفاً با هدف تقابل با نفوذ پکن در این منطقه خبر داد.

اما برای چین، برنامه راه ابریشم

جدید، یک هدف کاربردی دیگر نیز دارد؛ هدف از این برنامه توسعه اقتصادی در بخش غربی این کشور است که پیشرفت بخش ساحلی را ندارد و پکن در جستجوی راهی برای غلبه بر مشکلات جمعیتی آن است. در واقع «راه ابریشم جدید» با هدف تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری چین، به‌ویژه برای واردات انرژی طراحی شده است. امروزه، همان‌طور که مقامات چینی هم به آن واقف هستند، بیشتر مسیرهای تجاری دریایی چین، زیر نظر ارتش آمریکا است. طرح راه ابریشم جدید منجر به توسعه مسیرهای زمینی، به‌منظور دور زدن نقاطی نظیر تنگه هرمز و مالاکادر مالزی است که احتمال می‌رود در دریا تحت کنترل گاردهای ایالات متحده آمریکا باشد.

دریایی راه ابریشم جدید در نقاط برجسته‌ای همچون گوادردر پاکستان (در نزدیکی مرز ایران) باقیم؛ جایی که چین در آنجا قادر به ارائه خدمات و حتی ایجاد پایگاهی برای ساخت کشتی‌های جدید باشد و به عطش خطوط تولید این کشور وسعت دهد.

نقش آمریکا چیست؟
اما با وجود همه بلندپروازی‌های نظامی چین، حقیقت این است که طرح راه ابریشم جدید به‌طور مشخص وابسته به چتر حمایت امنیتی آمریکا است. صنعت چین وابسته به نفتی است که از خلیج فارس و دریای عربی حمل

می‌شود، جایی که خطوط دریایی از سوی ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا نگهداری می‌شود. روی زمین این نیاز حتی شدیدتر است. پکن به دنبال فرصت‌های سرمایه‌گذاری در مناطق درگیر جنگ است تا نیاز برای ساخت دوباره ویرانه‌های جنگ را پوشش دهد. مناطقی همچون افغانستان، عراق و جایی که پکن امید آن را داشت، سوریه. در همه این نقاط، ارتش آمریکا، امنیت رایگان را برای سرمایه‌های چین ایجاد کرده است.

احتمال خروج نیروهای آمریکایی از سوریه یا افغانستان، همچون موجی سهمگین بر آرزوهای چین فرو آمده است؛ این احتمال به معنای افزایش بی‌ثباتی در مناطقی است که منافع اقتصادی پکن در آن‌ها واقع شده است؛ از طرفی امنیت چین نیز به‌نوعی وابسته به امنیت این مناطق است؛ چرا که افغانستان به‌نوعی به چین نزدیکی جغرافیایی دارد و از طرفی جهادگران سوری روابطی با گروه‌های تروریستی در چین دارند. برای ایمن کردن این مناطق، پکن یا مجبور به تغییر منابع دریایی خود است یا اینکه ناگزیر است با دولت‌های همچون ایران و روسیه شراکت‌هایی ایجاد کند که البته آن‌ها هم خدمات رایگان ارائه نمی‌دهند.

دولت ترامپ نباید این قدر سریع برای ایجاد معضل در آرامش پکن گام بردارد. چیزی که برای چین بد به شمار می‌رود، برای آمریکا نیز مضر است. دخالت ایالات متحده در جنگ سوریه و افغانستان به این دلیل صورت گرفت که چندین دولت متحدی آمریکا به‌اینکه منافع اقتصادی و امنیتی واشنگتن در گرو ثبات این مناطق بوده است، باور داشتند. خروج بدون برنامه حفاظت از چنین منافع، آن‌ها را به لقمه‌ای راحت برای کسانانی که در منطقه باقی می‌مانند، بدل می‌کند.

غاملی که به نگرانی پکن در مورد خروج نیروهای آمریکا از خاورمیانه دامن می‌زند، چشم‌انداز افزایش

امنیت چین به‌نوعی وابسته به امنیت افغانستان و سوریه است؛ چرا که افغانستان به‌نوعی به چین نزدیکی جغرافیایی دارد و جهادگران سوری نیز روابطی با گروه‌های تروریستی در چین دارند

تمرکز بیشتر منابع نظامی آمریکا در شرق آسیا است؛ موضوعی که در آخرین راهبرد دفاع ملی آمریکا به‌صراحت برجسته بود.

علاوه بر این، پکن قصد دارد به متحدان آمریکا در آسیا تأکید کند که واشنگتن یک شریک غیرقابل اعتماد است؛ و این موضع احتمالاً مخاطبانی هم از سوی متحدان آمریکا خواهد داشت.

این موضوع که آمریکا باید استراتژی خود را از جنگیدن با شورشیان در خاورمیانه به سمت تقابل با قدرت‌های بلندپروازی همچون روسیه و چین تغییر دهد، در بین احزاب چپ و راست آمریکا به نقطه اشتراک رسیده است؛ اما واکنش‌ها نسبت به تصمیم ترامپ مبنی بر خروج از سوریه نشان داد، اینکه چگونه آمریکا تغییر استراتژی را اجرا کند از اهمیت بالایی برخوردار است.

علاقه بر برخی احزاب برای خروج ارتش آمریکا و تمایل برخی دیگر به ماندن، به واشنگتن برای ایجاد توافقات سیاسی قدرت می‌دهد که به ارزیابی بلندپروازی‌های رقبایش بپردازد و همچنین از دستاوردهای نیروهای آمریکایی دفاع کند؛ اما ایجاد تعادل ژئوپلیتیک نیازمند صبر و مهارت است. اگر آمریکا نیروهایش را از منطقه خارج و آن قدرت را قربانی کند، این ریسک را به جان خریده که زمین را به بازیگران متخاصم واگذار کند، اعتبار و تأثیرگذاری خود را زیر سؤال برد و در مسیر منافع رقبایش فعالیت کند.

خبر

وکلاي منافورت دستش رارو کردند؛

همه دروغ‌های رئیس کمپین ترامپ

مریم علامه‌زاده

روز سه‌شنبه (هجدهم دی ماه) وکلای پاول منافورت به صورت اتفاقی افشا کردند که دادستان‌های آمریکایی منافورت را به اشتراک اطلاعات کمپین انتخاباتی ترامپ برای کیلیمنیک متهم کردند.

آن‌ها نوشته‌اند که منافورت به صورت عمدی اقدام به گمراهی بازرسان پرونده نکرده است، بلکه به گفته این وکلای در زمانی که موضوع از سوی بازرسان مورد سوال واقع شده، صرفاً به یاد نمی‌آورده که چه چیز اتفاق افتاده است و این اصلاً عجیب نیست چرا که او با مشکلات روحی و فراموشی درگیر است.

بر اساس دفاعیه‌ای که وکلای برای رفع اتهامات منافورت ارائه کرده‌اند، دفتر مولر، بازرس ویژه پرونده دخالت روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا، همچنین تأیید کرده است که احتمالاً منافورت بر سر صلح روسیه با اوکراین نیز با کیلیمنیک، تاجر روسی مرتبط با مقامات عالی مرتبه روسیه، نه یک‌بار که چندین مورد مذاکره کرده است و احتمالاً دیدارهای این دو زمانی صورت گرفته که هر دو نفر به سفر مادرید رفته بودند.

در بخش دیگری از این اسناد وکلای

منافورت نوشته‌اند که در جلسه‌ای که منافورت به همراه وکلایش برای مذاکره با مولر در ماه سپتامبر (شهریور - مهر) حاضر شده بودند، منافورت درگیر افکار مسائل کمپین انتخاباتی بوده است که برای او مسئله ساز بودند. برای همین فراموش کرده بیشتر به موضوع برنامه صلح اوکراین بپردازد و به گروه مولر در مورد آن توضیح دهد.

جامعه‌امنیتی ایالات متحده آمریکا به این نتیجه رسیده که روسیه در رقابت انتخاباتی سال ۲۰۱۶ آمریکا دخالت کرده است و این عمل به منظور کاشت بذر اختلافات در جامعه سیاسی آمریکا و همچنین تحریف نتیجه انتخابات به نفع ترامپ صورت گرفته است.

یکی از اهداف کلیدی تحقیقات گروه بازرس ویژه، رابرت مولر، بر این موضوع استوار است که آیا کمپین انتخاباتی ترامپ به روسیه در رسیدن به اهداف دخالت در انتخابات کمک کرده است یا خیر و اینکه آیا این کمپین پیشنهاده‌ی به کرملین در ازای کمک این کشور به کمپین در طول انتخابات ارائه کرده است یا نه.

در کنار این موضوع، دادستان‌ها در حال بررسی طرح صلح روسیه - اوکراین هستند که مایکل کوهن، وکیل سابق ترامپ و کارچاق‌کن قدیمی او که در حال حاضر در

حال همکاری با گروه مولر است، قرار بود در روزهای ابتدایی آغاز به کار دولت ترامپ به دنبال آن باشد.

بر اساس این طرح که کوهن، فلیکس ساتر، تاجر زاده روس و اندری آرتیمنکو، سیاست‌مدار اوکراینی به دنبال آن بودند، قرار بود آمریکا تحریم‌های خود را علیه روسیه در ازای قطع حمایت روسیه از جدایی‌طلبان در شرق اوکراین، بردارد؛ همچنین بر اساس آن روسیه می‌توانست کنترل کریمه را که در سال ۲۰۱۴ از خاک اوکراین جدا کرده بود، در اختیار بگیرد.

از زمانی که در حین کمپین انتخاباتی سال ۲۰۱۶ جزئیات روابط منافورت با منافع طرفداران روسیه در اوکراین بر ملا شد، وی به یکی از شخصیت‌های جذاب برای دادستان‌های آمریکایی تبدیل شد.

بازرسان همچنین در حال بررسی این موضوع هستند که آیا منافورت از مسائل کمپین انتخاباتی با روسیه به عنوان کانالی برای تخفیف بدهی‌های مالی رو به فزونی خود به روس‌های ثروتمند مرتبط با کرملین استفاده کرده است یا خیر. یکی از افراد اولگ در پیاسکا، از اشرف‌زادگان روس است که ارتباط نزدیکی با کیلیمنیک، دیگر تاجر روس، دارد.

همچنین گفته می‌شود که منافورت



در این دفاعیه همچنین وکلای منافورت به موضوعی که مولر به آن پرداخته و عنوان کرده که منافورت در مورد پرداخت ۱۲۵ هزار دلار به یک شرکت دروغ گفته است، اشاره می‌کنند و باردا این ادعای گویید: دولت اظهار می‌کند که بیانیه آقایی منافورت در مورد این پرداخت همسو با سایرین نیست، اما این دفاعیه هنوز شواهدی از سایر بیانیه‌ها مبنی بر حمایت از ادعای دروغ‌گویی دریافت نکرده است.

گروه وکلای منافورت در مورد تمامی اتهامات دفاعیه صادر نکرده‌اند؛ به‌جای آن وکلا هرگونه اتهام در مورد اعتراضات دروغ منافورت را رد و عنوان کردند که این اعتراضات به اصطلاح دروغ به صورت عمد اتفاق نیفتاده است.

پیش‌تر دادگاهی در آمریکا منافورت را به حبس محکوم کرده بود اما گروه تحقیقات مولر از دادگاه خواست تارای نهایی را به تعویق اندازد تا او با گروه همکاری کند.